

مطالعه کمی و کیفی نقش مهاجرین کاری بر تنوع همسر گزینی شهر مبارکه

رضا اسماعیلی^۱، وحید قاسمی^۲ و سهیلا فخاری^۳

این پژوهش با هدف شناسایی نقش اثر گذار و تاثیر پذیر مهاجرین کاری بر تنوع همسر گزینی در شهر مبارکه صورت گرفته است. نوع پژوهش تلفیقی از نوع توضیحی می باشد. به منظور سنجش نگرش ساکنین شهر مبارکه در مورد تنوع همسر گزینی از روش کمی با شیوه پیمایشی با استفاده از پرسش نامه بر روی ۳۸۲ نفر انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده های کمی با

۱- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

۲- عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد امور فرهنگی

استفاده از جداول فراوانی، آزمون T، آزمون F، آزمون ناپارامتری کراسکال والیس و صورت گرفته است. در بخش کیفی که به منظور توضیح و تکمیل بخش کمی صورت گرفته است با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته از ۲۱ نفر از بومیان و مهاجرینی که پرسشنامه را تکمیل نموده اند با توجه به فرضیات آزمون سئوالاتی پرسیده شد است. روش تجزیه و تحلیل در بخش کیفی تجزیه و تحلیل موضوعی بوده است که بر اساس فرضیات و مصاحبه های انجام شده هر موضوع به ریز موضوعاتی تقسیم شده است.

نتایج تحقیق در بخش کمی نشان دهنده حرکت افراد به سمت انتخاب همسر خارج از قوم، قبیله و به عبارتی دامنه انتخاب آنها برون همسری می باشند و در بخش کیفی نیز تایید کننده همین موضوع می باشد.

در کل نتایج تلفیقی نشان می دهد همسرگزینی نسل دوم و سوم مهاجرین، با نسل اول مهاجرین متفاوت هستند و دامنه همسر گزینی آنها در مقایسه با نسل اول که درون همسری می باشند گسترده تر می باشد این را در بین بومیانی که با مهاجرین ارتباط بیشتری دارند هم می توان دید.

واژه های کلیدی: مهاجرت، فرهنگ، برون همسری، درون همسری

مقدمه

فرهنگ برای اکثر مردم موفقیت هنری و فکری به سطح بلند، توسعه علم و هنر و علوم انسانی و فلسفه را به خاطر می آورد و بیان نبوغ مردم در یک جامعه تلقی می شود.

اما فرهنگ به معنی کلی آن، متضمن همه ی این ها و بسیار چیزهای دیگر است که یک شخص به عنوان عضو از جامعه اکتساب می کند یعنی همه عادت ها و استعداد های که از طریق سنت و یا تجربه آموخته شده اند، به مشمول همه اشیای مادی که توسط مردم تولید می شود. فرهنگ را می توان در آثار هنری و مطالعات علمی متجلی دید و در

عین حال در آن چه می‌خوریم، لباسی که می‌پوشیم، مراسم ازدواج و یا عزاداری و سوگواری. در امور وابسته به ارزش‌های که جامعه برای خود تلقین نموده، در نظام تعلیم و تربیت و طرز آموزشی که کسب می‌کنیم، در طرز دید و آراء خود به خوب و بد و... در همه این‌ها تجلیات فرهنگ جا داشته، نهفته است.

اما آیا همه این‌ها در یک جامعه، شهر و قریه یکسان است؟ یا برعکس از شهری به شهر دیگر آداب و رسوم‌ها رفتارها و حتی خوردنی‌های متفاوتی است.

آیا همه با یک فرهنگ زندگی می‌کنند و یا این که تنوعی از فرهنگ‌ها را داریم؟ آیا حتی می‌توان گفت در یک شهر همه بر اساس یک آداب و رسوم عمل می‌کنند و یا حتی یک شهر می‌تواند تنوعی از فرهنگ‌ها را داشته باشیم؟

بیان مساله

پدیده‌ی مهاجرت یکی از مسائل اصلی مورد توجه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و برنامه‌ریزان توسعه کشورهاست. چرا که مهاجرت در ابعاد مختلف جامعه، تغییر و تحولاتی را بوجود می‌آورد و آثار و عوارض متعددی در پی دارد، با گسترش و رشد بی سابقه مهاجرت و شهرنشینی، فرهنگ‌های مختلف در کنار هم قرار می‌گیرند و در نتیجه موجب اشاعه^۱، مبادله^۲ و یا احیاناً حاشیه‌نشینی گروه‌های اجتماعی خواهد شد. از جمله عناصر فرهنگی که تحت تاثیر مهاجرت قرار می‌گیرد نحوه همسرگزینی افراد می‌باشد پدیده ازدواج و تشکیل خانواده در هر جامعه‌ای یکی از ارکان مهم زندگی و نظام خویشاوندی در آن جامعه به شمار می‌رود آن‌چه که این مسئله را حائز اهمیت می‌نماید مسائلی از قبیل ساختار مذهبی، عشیرتی، اقتصادی و معیشتی موجود در جامعه است. هر جامعه‌ای برای حفظ و ثبات و برقرار نظم در زندگی افراد آن جامعه از

1. Diffusion

2. Exchange

مجموعه‌ای از آداب و رسوم اعتقادات و قوانین مناسب و متناسب با شرایط زیست آنان، پیروی می‌کند. در این میان مسائل فرهنگی و اجتماعی با توجه به اهمیت و ارزش‌های خود در ساختار اجتماعی، اقتصادی آن جامعه نمود پیدا می‌کند (جرجانی، ۱۳۸۰: ۱۷).

وبا عنایت به این که شهر مبارکه یک شهر مهاجر پذیر است و استقرار صنایع مختلف باعث مهاجرت به این شهرستان شده است. در این پژوهش نقش مهاجرت بر تنوع فرهنگی موجود در شهر مبارکه و پیامدهای فرهنگی آن مورد بررسی قرار گیرد. مسأله اصلی این پژوهش اثرگذاری و اثرپذیری فرهنگی مهاجرین می‌باشد مهاجرینی که از خواستگاه‌های مختلف بر خواسته‌اند و به شهر مبارکه مهاجرت کرده‌اند تا چه حد فرهنگ اولیه همسرگزینی آن‌ها تحت تأثیر دیگر گونه‌ها قرار داشته است. هم‌چنین افراد بومی ساکن شهر تا چه حد از دیگر فرهنگ‌ها در قلمرو ازدواج تأثیر پذیرفته‌اند.

مهاجرت و فرهنگ

در تعریف مهاجرت می‌توان گفت: مهاجرت پدیده‌ی پیچیده‌ای است که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی در ارتباط است و در حقیقت نوعی تطبیق و سازگاری اجتماعی است که در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی که از جریانات و حوادث ناشی می‌شود و در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی پدید می‌آید (شیخی، ۱۳۷۶: ۱۴۹).

در تعریف فرهنگ م بسیار تعاریف آمده است اما برحسب تعریف تایلور فرهنگ یا تمدن، کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، معتقدات، باورها، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، حقوق و قوانین و آداب و رسوم و بالاخره تمام قابلیت‌ها و عادات و رفتاری

است که انسان به عنوان عضو جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه و وظایف و تعهداتی را در بردارد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۷)

تاریخ جوامع و نظام‌های فرهنگی نشانگر این واقعیت است که فرهنگ جوامع معمولاً با اولین برخورد میان افراد جوامع، در جنگ، تجارت و مهاجرت تغییر می‌یابد و عناصری از فرهنگ دیگر به نظام فرهنگی جوامع وارد می‌شوند.

وثوقی و نیک‌خلق (۱۳۷۷) معتقدند که افرادی که مهاجرت می‌کنند از یک سو سعی دارند فرهنگ پیشین خود را فراموش کنند و از آن جدا شوند و از سوی دیگر در هم‌نوایی یا تطبیق خویش با هنجارها و موازین فرهنگی جدید کوشش می‌کنند. به همین علت و با توجه به این که فرهنگ پیشین در مقابل فرهنگ جدید مقاومت دارد به سادگی تسلیم نمی‌شود، جریان پیچیده و کندی به وجود می‌آید که ممکن است تا آخر دم حیات، فرد مهاجر را تحت تأثیر خود قرار دهد. البته باید توجه کرد که شاید نسل اول انسان مهاجر بتواند با خاطرات گذشته و حداقل در خلوت خویش هویت اصلی خود را حفظ کند، ولی نسل‌های بعدی با توجه به این که خاطرات کم‌رنگ‌تر و نیز خلوت کمتری دارند در معرض از خود بیگانگی بیشتری قرار می‌گیرند و عوامل ذیل می‌تواند در این امر دخیل باشند:

۱. شیفتگی نسبت به جلوه‌های گیرای زندگی شهری
۲. تلاش برای رفاه مادی هر چه بیشتر و یا حتی دستیابی به امکاناتی متوسط برای زیستن که این مقوله ناگزیر نه زمانی و نه تمایلی برای اندیشیدن به خود برای انسان مهاجر باقی می‌گذارد.

۳. دور شدن افراد خانواده از یکدیگر: زیرا دیگر مادرزادها کمتر امکان آن را دارند که با تعریف قصه‌های کودکانه علائق ملی و تاریخی و فرهنگی را در عمق روح کودکان پایه‌ریزی نمایند (داویدیان، ۱۳۷۹: ۱۷۶).

۴. قلوبی (۱۳۸۰) معتقد است که در سنین پایین به علت این که شخصیت افراد به طور کامل شکل نگرفته است و هنوز فرهنگ جامعه فرد در آن‌ها نهادینه نشده است، فرهنگ جامعه‌ای که به آن مهاجرت کرده‌اند را می‌پذیرند، حال آن‌که ریشه فرهنگ زادگاه در آنان وجود دارد و این سه منشاء تعارضات، تضادها و نقش‌های ناشی از اختلالات فرهنگ است. بنابراین رفته رفته در مکان جدید پاره‌ای کمبودهای عاطفی و حمایتی ظاهر می‌شود که این خود زمینه مشارکت تازه‌ای را در قالب همبستگی متقابل با همسایگان پدید می‌آورد. به طوری که بعد مکانی، تعیین‌کننده‌ی برخورد دوستانه یا بیگانگی میان این و آن گروه می‌شود و حسن همجواری به نوعی رابطه‌ی برادر مسلکی می‌انجامد که البته نسبت به رابطه‌ی موجود در خانواده تباری از استحکام و استواری کمتری برخوردار است (نورایی، ۱۳۷۶: ۲).

مهاجرت وهمسرگزینی

نگاه به ازدواج و تشکیل خانواده در ایران به ما نشان می‌دهد که آداب و رسوم مربوط به آن در گذر تاریخ شیوه‌های گوناگونی داشته است، هر چند که بسیاری از انواع خانواده‌ها و شیوه‌های ازدواج و همسرگزینی در کشور ما از بین رفته و یا رواج خود را از دست داده اما در جای‌جای این کشور پهناور می‌توان آثاری از قدیمی‌ترین انواع آن را پیدا نمود. ازدواج از گذشته تاکنون انواع مختلفی به خود دیده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. **ازدواج ربایشی:** در گذشته قدرت بدنی و جنگاوری از ملاک‌های مهم منزلت اجتماعی بوده، این مسئله خود را در امر ازدواج نیز نشان می‌داد؛ بدین صورت که مرد با ربودن زن دلخواه خود هم قدرت خود را به اثبات می‌رساند و هم او را به ازدواج خود در می‌آورد.

۲. ازدواج از طریق خرید همسر: در دورانی زن مانند کالا مورد معامله قرار

می‌گرفت و مردان همسران خود را می‌خریدند.

۳. ازدواج موقت: این نوع ازدواج ازدواجی است که زمان وقت آن مشخص

بوده و به صرف موافقت طرفین منعقد می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۹-۷۵).

۴. ازدواج به صورت امروزی: که طی تشریفات خاص صورت می‌گیرد.

علاوه بر این‌ها می‌توان به ازدواج مبادله‌ای تنظیم شده آزمایشی، دوستانه و... اشاره نمود (ربانی، شاهنوشی، ۱۳۸۵: ۶۴).

در طبقه‌بندی دیگری خانواده را از نظر رابطه ازدواجی به برون‌همسری و درون‌همسری تقسیم نموده‌اند: برون‌همسری خانواده‌هایی است که زن و شوهر خویشاوند نیستند و افراد بر مبنای گزینش همسر خارج از گروه اجتماعی اقدام می‌نمایند. خانواده‌های درون‌همسری بر عکس، یعنی زن و شوهر قبلاً خویشاوند یکدیگر بوده‌اند و افراد اجباراً همسر را از بین اعضای گروهی که به آن تعلق دارند انتخاب می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۸).

با توجه به این که در زمان گذشته مهاجرت و جابه‌جایی بسیار کمتر از دوره‌های بعد بوده است لذا والدین در آن دوران غالباً تنها در محدوده‌ی جغرافیایی شهری یا روستایی محل تولد و زندگی خود برای فرزندان‌شان همسر انتخاب می‌کرده‌اند و به این ترتیب میزان ازدواج افراد جوان نسل اول با هم ولایت‌های خود قابل ملاحظه بوده است. اما از آن جا که در دوره‌ی جوانی افراد نسل دوم در شرایط قبل و دوره انقلاب اسلامی به دلیل رواج بیشتر امر مهاجرت و جابه‌جایی شدت یافته، این افراد امکان انتخاب همسر در خارج از شهر و دیار خود را نیز داشته‌اند. شواهد نشان می‌دهد که در این نسل ازدواج با افراد خارج از شبکه فAMILI روئق داشته است (آزادارمکی، ۱۳۶۹: ۱۰۹).

پیشینه پژوهش و مطالعات انجام شده

در مورد پیشینه تجربی و به عبارتی پژوهش‌های انجام شده در خصوص موضوع مورد بررسی بایستی متذکر شد که تحقیقی با عنوان بررسی مهاجرت بر تنوع فرهنگی انجام نشده و تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته به ابعاد دیگری از جمله مهاجرت پرداخته شده و علل و ابعاد و تأثیر مهاجرت را بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و بعضاً فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است و دقیقاً در تحقیقات، تأثیر مهاجرت بر تنوع فرهنگی مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا در ذیل سعی شده تا تحقیقاتی که در مورد مهاجرت یا تنوع فرهنگی صورت گرفته بررسی شود

زارع (۱۳۶۷): در پژوهشی در مورد سازگاری مهاجرین جنگی در شیراز انجام

داد به نتایجی به شرح ذیل دست یافت:

افزایش مدت اقامت مهاجرین در جهت افزایش سازگاری آن‌ها مؤثر ولی با افزایش سن سازگاری مهاجرین کاهش می‌یابد بطوری که جوانان بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. هم‌چنین رابطه قومیت با سازگاری مهاجرین بدین گونه است که فارس زبان‌ها از عرب زبان‌ها سازگارترند. به‌طور کلی بر اساس ویژگی‌های فرد مهاجر و شرایط حاکم بر مقصد است که مهاجر می‌تواند در فرآیند سازگاری خود در مقصد به درجه‌ای از سازگاری نایل گردد.

حسینی (۱۳۸۱): در پژوهش خود با نام «اثر مهاجرت بر ساختار اجتماعی و

فرهنگی شهر رشت با تأکید بر عوامل رضایت‌مند» به این اشاره دارد که زمینه ناهمگونی فرهنگی در محل‌های مهاجرنشین موجب بروز تنش‌های قومی و مسائل اجتماعی دیگر است.

بررسی‌های وی به ترتیب انطباق نظریه‌های توسعه فضای شهر از دیدگاه مکتب

شیکاگو با شهر رشت، و سنجش میزان رضایت‌مندی مهاجرین می‌باشد. این تحقیق به

روش پیمایشی و کتابخانه‌ای انجام شده است و اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه از یک نمونه ۳۷۷ نفری از سرپرست خانوارها جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق در زمینه رضایت‌مندی مهاجرین نشان می‌دهد متغیرهایی چون سطح درآمد، آسیب‌های اجتماعی در محل، شغل، وضعیت مسکن و جنسیت رابطه معناداری با رضایت‌مندی مهاجرین دارد و متغیرهایی چون قومیت، وضعیت تأهل، سن، مدت اقامت در محل، بعد خانوار، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی، رابطه معناداری با متغیرهای وابسته نشان نمی‌دهد. طبق یافته‌های تحقیق میزان آسیب اجتماعی در محله‌های مهاجرنشین در حد متوسط می‌باشد و می‌توان گفت مهاجرت بی‌رویه بدون برنامه‌ریزی جامع موجب توسعه نامتناسب ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر می‌شود.

قاسمی (۱۳۸۳): در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی تغییرات فرهنگی در شهر مرودشت» (مطالعه موردی: روستای فالونک) سعی نموده تا ضمن توصیف مردم‌نگارانه روستا، به تغییراتی که در اثر اشاعه نوآوری‌ها و ورود تکنولوژی‌های مدرن در حوزه‌هایی مانند مسکن و معماری، تغذیه، پوشاک و نظام ازدواج و خویشاوندی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ روی داده است، پرداخته شده است. روش مطالعه در این رساله روش انسان‌شناسی فرهنگی و تکنیک و فن گردآوری اطلاعات مشاهده، مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک و عکس‌برداری بود. مهم‌ترین نتایج این پژوهش به ترتیب زیر بوده است:

در جامعه سنتی اکثر ساکنین روستای فالونک تا پیش از ورود تکنولوژی و نوآوری به دامداری و کشاورزی سطحی اشتغال داشتند و ده‌نشین بودند اما گروه‌های کوچ‌نشین در مناطقی از این روستا به سر می‌برند که نظام اجتماعی، سیاسی آن مبتنی بر نظام قبیله‌ای و ارباب و رعیتی بود و مالکیت زمین عامل اساسی در قشربندی اجتماعی به شمار می‌آید.

با اشاعه نوآوری و ورود تکنولوژی‌های مدرن که پس از اجرای اصلاحات ارضی و وقوع انقلاب اسلامی رخ داد از جمله گسترش وسایل ارتباط جمعی، ابزار و وسایل تکنولوژیکی، تأسیس مدارس نوین، احداث جاده، تأسیس ادارات دولتی و انتقال قدرت به دولت، تغییراتی عمده در حوزه‌های مورد بررسی از جمله مسکن، تغذیه، پوشاک و نظام ازدواج و خویشاوندی و حوزه‌های دیگر پدیدار گشته است.

نکته اساسی این است که تغییرات در حوزه‌های مورد نظر به‌طور کامل منجر به فروپاشی جامعه سنتی نشد، بلکه عناصری از این نظام اجتماعی سنتی را در کنار خود نگه داشت. بنابراین می‌توان گفت اشاعه و پذیرش نوآوری‌ها و ورود تکنولوژی مدرن در فالونک در حوزه‌های مورد نظر به صورت نسبی باعث تغییرات فرهنگی شده است و نظام اجتماعی دوگانه سنتی و مدرن را در کنار یکدیگر قرار داده است.

رضایی (۱۳۸۴): در بررسی‌های خود که در مورد «تنوع فرهنگی در استان گیلان» به دست آورد نشان داد که نه تنها طبیعت و هنر، انعکاس‌دهنده‌ی تنوع اند بلکه پوششی جمعیتی نیز جلوه‌های خاص فرهنگ لایه لایه و تو در تو آن را به نمایش می‌گذارند به طوری که با مطالعه‌ی ویژگی‌های فرهنگی، جمعیتی ایران تاریخ چند هزارساله‌ی تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مهاجرت‌ها، جنگ‌ها و کوچ‌های اجباری و اختیاری به نمایش گذاشته می‌شود.

رضایی، بر اساس جمع‌آوری اطلاعات با روش مطالعه اسنادی به بررسی اقوام ساکن در دوازده شهر گیلان پرداخت وی اشاره داشت بخش شمالی که به استان گیلان شهرت دارد از نظر تنوع فرهنگی و قومی قابل توجه است و اکثر ساکنین شرق این استان گیل هستند و در مناطق کوهستانی اقوام تالش، تات و کرد اسکان یافته‌اند. هر چه از کناره‌ی دریای خزر به سمت کوهستان برویم از جمعیت گیل مردان کاسته و به تعداد تالش‌های دامدار و کشاورز افزوده می‌شود و برای نزدیک شدن به تات زبان‌ها، باید به

سمت خطالرأس سلسله جبال البرز حرکت کرد. بالاخره اگر از مناطق شرق به سمت غرب برویم با آذری‌های ساکن در این استان روبه‌رو می‌شویم در مناطق کوهستانی جزیره‌هایی از قوم ایرانی گرد زندگی می‌کنند که کثرت آن‌ها در منطقه‌ی عمارلو بیش‌تر مشاهده می‌شود.

وی ضمن گونه‌شناسی که بر اساس قومیت سه گونه گیلک‌ها، تالش‌ها و تات‌ها را شناسایی نمود و از نظر تنوع زبانی و مذهبی به بررسی این شهر پرداخت و در پایان نتیجه گرفت که وقتی تفاوت‌ها را در کنار اشتراکات مطالعه می‌شود وحدت اعجاب‌برانگیز فرهنگ ایرانی مشاهده می‌شود و علی‌رغم تفاوت‌های جزئی در برگزاری یک مراسم و مناسک خاص مانند نوروز و عزاداری محرم یگانگی در اصل این آداب و رسوم در کل جامعه مشاهده می‌شود.

انصاری (۱۹۸۸): در پژوهشی با عنوان «ایرانیان مهاجر در ایالات متحده (حاشیه‌نشینی دوگانه)» که بر روی ۱۰۵ نفر از ایرانیان ساکن ایالات نیویورک، نیوجرسی با استفاده از مصاحبه با مهاجرین انجام داد به نتایج زیر رسید.

بر حسب سکونت‌گاه مهاجر می‌توان گفت: مهاجرین ایرانی به سومین نسل مهاجران آمریکایی شباهت دارند یعنی به سبب نمونه و سرشت مهاجرت‌شان و نیز ترکیب شغلی‌شان آن‌ها در یک پراکندگی جغرافیایی زندگی می‌کنند و نمونه در خور تشخیصی از یک سکونت‌گاه عمومی ندارند (ایران کوچک وجود ندارد). هم‌چنین به این نکته پی برد که مهاجرین بلا تکلیف در جامعه آمریکا زندگی حاشیه‌ای دارند. آن‌ها در برابر آمریکایی شدن آگاهانه از خود مواظبت می‌کنند و درگیری خود را فراسوی خانواده گسترش نمی‌دهند. افزون بر آن حاشیه‌نشینی آن‌ها با دشمنی و حالت ضدآمریکایی شدید همراه است که این دو از کشمکش‌های فرهنگی خودش سرچشمه می‌گیرد.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت موضوع از روش تلفیقی (روش کمی و کیفی) استفاده می‌شود. در بعد کمی روش پیمایشی است و از تحلیل آماری T, F استفاده شده است و بخش کیفی روش تحقیق موضوعی است.

جامعه آماری و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش ساکنین شهرستان مبارکه می‌باشند که وضعیت آن طبق نتایج سرشماری آمار و نفوس سال ۱۳۸۵ به شرح جداول زیر می‌باشد.

جدول (۱) آمار جمعیت شهر مبارکه

ردیف	جنسیت	تعداد (نفر)	درصد
	مرد	۳۲۱۲۷	٪۵۱
	زن	۳۰۳۲۷	٪۴۹
جمع		۶۲۴۵۴	٪۱۰۰

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۲ نفر است. علاوه بر آن در مرحله‌ی دوم پس از مشخص شدن نتایج مرحله اول (روش کمی) از میان ۳۸۲ نفر یک نمونه ۲۱ نفری هدف‌مند کیفی جهت عمق بخشیدن به نتایج از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته به عمل خواهد آمد.

تجزیه تحلیل داده‌ها

در بخش کمی پس از ورود اطلاعات در نرم افزار SPSS، اطلاعات در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. نتایج این تحلیل‌ها در جداول ۲ تا ۴ نمایان شده‌اند. به منظور سنجش شاخص « تمایل به ازدواج برون گروهی در بین گروه‌های مهاجرین کاری، مهاجرین وبومیان » ۴ متغیر در نظر گرفته شده است همانگونه که جدول شماره

۲ نشان می دهد با در نظر گرفتن مقدار sig می توان گفت که فقط بین تشویق دوستان به ازدواج با غریبه ها و سه گروه مورد مطالعه تفاوت معناداری وجود دارد. و در بین سایر گونه ها با گروه مورد مطالعه رابطه معناداری وجود ندارد. بر اساس جدول اکثر افراد موافق ازدواج بر اساس آداب و رسوم بوده اند. بر اساس گونه دوم افراد اعتقاد به ازدواج برون گروهی دارند چرا که اکثراً مخالف ازدواج با افراد خودی بوده اند.

جدول (۲) مقایسه گونه های مربوط به همسرگزینی در بین سه گروه بومیان، مهاجرین کاری و مهاجرین غیر کاری

متغیر	گروه های مورد مطالعه	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	آزمون معنادار تفاوت ها
من اعتقاد دارم هر کس باید برای ازدواج مطابق آداب و رسوم خودش عمل کند	بومیان	٪۳۴/۷	٪۳۷/۹	٪۱۲/۸	٪۱۱/۴	٪۳/۲	$X^2=8$ Sig=۰/۲۵
	مهاجر کاری	٪۳۰/۸	٪۲۸/۲	٪۲۰/۵	٪۱۴/۱	٪۶/۴	
	مهاجر غیر کاری	٪۳۷/۶	٪۲۹/۴	٪۱۴/۱	٪۱۴/۱	٪۴/۷	
برای ازدواج بهتر است فرد با یکی از اقوام خود ازدواج کند	بومیان	٪۱/۸	٪۹/۱	٪۱۵/۱	٪۴۳/۸	٪۳۰/۱	$X^2=8$ Sig=۰/۰۸
	مهاجر کاری	٪۵/۱	٪۱۰/۳	٪۱۷/۹	٪۳۴/۶	٪۳۲/۱	
	مهاجر غیر کاری	٪۹/۴	٪۹/۴	٪۱۸/۸	٪۳۴/۱	٪۲۸/۲	
دوستانم را تشویق به ازدواج با افراد مهاجر می کنم	بومیان	٪۹	٪۶/۴	٪۳۹/۷	٪۳۵/۲	٪۱۷/۸	$X^2=8$ Sig=۰/۰۰۲
	مهاجر کاری	٪۵/۱	٪۳/۸	٪۴۷/۴	٪۲۹/۵	٪۱۴/۱	
	مهاجر غیر کاری	٪۵/۹	٪۱۴/۱	٪۴۳/۵	٪۱۶/۵	٪۲۰/۰	
در دنیای امروز ازدواج با غریبه ها غیر عادی نیست	بومیان	٪۲۱/۰	٪۵۴/۸	٪۱۶/۹	٪۵/۰	٪۲/۳	$X^2=8$ Sig=۰/۰۹
	مهاجر کاری	٪۲۳/۱	٪۴۲/۳	٪۲۵/۶	٪۳/۸	٪۵/۱	
	مهاجر غیر کاری	٪۲۵/۹	٪۴۴/۷	٪۱۷/۶	٪۳/۵	٪۸/۲	

همانطور که از جدول ۳ که بر اساس آزمون t می باشد نشان می دهد می توان گفت بومیانی که با مهاجرین سر و کار بیشتری دارند با سایر بومیان در آداب و رسوم ازدواج مشابه هستند بر اساس جدول شماره ۴ و با توجه به تفاوت میانگین ها چنین برداشت می شود که با توجه به این در میانگین ها تفاوت ناچیز می باشد می توان گفت سه گروه مورد مطالعه اهمیت یکسانی برای ازدواج برون گروهی قائل هستند

جدول (۳) الف میانگین آداب و رسوم ازدواج بین دو گروه بومیان دارای ارتباط بیش تر با مهاجرین و ارتباط کم تر با مهاجرین

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	گروه ها
۰/۰۶	۰/۵۸	۳/۰۹	۷۶	۱ بومیانی که ارتباط بیش تری با مهاجرین دارند
۰/۴	۰/۵۲	۳/۰۴	۱۴۳	۲ بومیانی که ارتباط کمتری با مهاجرین دارند

جدول (۳) ب آزمون T برای مقایسه میانگین های دو گروه مورد مطالعه

آماره ی آزمون T	درجه آزادی df	Sig (2-tailed)	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین ها	
				کران بالا	کران پایین
۰/۶۴	۲۱۷	۰/۵۲	۰/۰۴	۰/۲۰	-۰/۱۰
۰/۶۲	۱۳۸/۳	۰/۵۳	۰/۰۴	۰/۲۰	-۰/۱۰

جدول (۴) مقایسه میانگین متغیر مورد مطالعه در سه گروه نمونه‌ای

		انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌های مورد مطالعه
کران پایین	کران بالا				
۳/۱۳	۲/۹۹	۰/۵۴	۳/۰۶	۲۱۹	بومیان
۳/۲۴	۲/۹۸	۰/۵۸	۳/۱۱	۷۸	مهاجرین کاری
۳/۲۰	۲/۹۲	۰/۶۴	۳/۰۶	۸۵	مهاجرین غیر کاری
۳/۱۳	۳/۰۱	۰/۵۷	۳/۰۷	۳۸۲	مجموع

نتایج کیفی

طبق اظهارات شرکت‌کنندگان ازدواج از جمله پدیده‌های تأثیرگذار بر فرهنگ‌پذیری آنان بوده است. در مصاحبه‌ها چنین بر می‌آید که ازدواج به عنوان ارتباط دهنده دو فرهنگ نقش عمده‌ای در انتقال فرهنگ ایفا می‌کند. فرهنگ‌پذیری مهاجرین و بومیان در مورد ازدواج با زیرمجموعه‌های زیر تشریح شده است:

۱. همسرگزینی

خود همسرگزینی را بر اساس مصاحبه‌ها می‌توان به دو زیر موضوع زیر تقسیم نمود:
 الف) درون‌همسری: افراد با سبک ازدواج درون همسر، بر ازدواج درون گروهی تأکید می‌ورزند و ازدواج با اقوام، خویشاوندان و بستگان نسبی و سببی یا افراد یک طایفه و قبیله و دهکده را توصیه می‌کند. طبق مصاحبه‌های انجام شده تعداد خیلی کمی در حال حاضر اعتقاد به دورن همسری دارند گرچه اعتقاد دارند در محل زندگی آن‌ها ازدواج با غریبه‌ها ممنوع بوده است و یا پدر و مادر خودشان تأکید بر دورن همسری دارند ولی خودشان معتقد نیستند از جمله دختر ۱۹ ساله مهاجر از... بیان می‌کند:

«در محلی که به دنیا آمده‌ام معمولاً از بین خودشان عروس و یا داماد انتخاب می‌کنند».

و یا

«برای ازدواج مادرم می‌گویند ازدواج با خودی بهتر است».

مرد ۴۶ ساله آبادانی:

«بیش‌تر برای ازدواج فرزندانم افراد خودی را پیشنهاد می‌دهم».

از جمله عواملی که می‌تواند بر انتخاب همسر مهاجرین به سمت درون‌همسری میل کند احساس تعلق به محل تولد است. در این مورد زن ۳۶ ساله اهلی این چنین بیان می‌کند:

«برای ازدواج فرزندانم پیشنهاد می‌کنم که از محل تولد خودم انتخاب کنند چون به محل سکونت خیلی علاقه دارم».

ب) برون‌همسری: برون‌همسری یا بیگانه‌همسری، ازدواج در خارج از گروه خویشاوندی و یا هم‌قوم است. معمولاً در جوامع مهاجرپذیر که افراد با دیگر افراد خارج از قوم و قبیله و خویشاوندان خود آشنا می‌شود ازدواج به سمت برون‌همسری حرکت می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان در مورد انتخاب خارج از قوم و قبیله خود چنین اظهار می‌کند:

«برای ازدواج فرقی نمی‌کند از آشنایان باشد یا غریبه‌ها».

شرکت‌کننده دیگری که ۱۸ سال سن دارد اظهار می‌دارد:

«در مورد ازدواج خانواده‌ام هیچ اصراری ندارد که با فامیل ازدواج کنیم یا غریبه همین‌طور که خواهرم با غریبه‌ها ازدواج کرد».

بعضی از افراد بیان داشته‌اند که دایره همسرگزینی آن‌ها بیرونی است اما دایره فرهنگی (احساس تعلق فرهنگی) آن‌ها درونی از جمله: شرکت کننده‌ی ۲۷ ساله بومی این چنین بیان می‌دارد:

«برای ازدواج فرزندانم غریبه‌ها را توجیح می‌دهم. اما بر اساس آداب و رسوم شهر خودمان».

به غیر از همسرگزینی به دو شکل برون همسری و درون همسری شرکت کننده‌ای ۲۲ ساله کردی به نوعی مبارکه یک طرفه در ازدواج اشاره نموده:

«برای ازدواج دختر به ایرانی نمی‌دهیم ولی دختر از ایرانی‌ها می‌گیریم. روی این مورد هم خیلی تعصب داریم همان‌طور که محل سکونت‌مان هم همین‌طور هستند».

۲. جایگاه آداب و رسوم در ازدواج

آیین ازدواج بسیار گسترده و پیچیده می‌باشد. آداب و رسوم ازدواج و همسرگزینی هم به همین صورت هر کس بر اساس محل زندگی خود آداب و رسوم خاصی برای ازدواج (از جمله: انتخاب همسر، خواستگاری، برپایی مراسم جشن و...) دارد که این آداب و رسوم را به عنوان هویت فرهنگی آن‌ها به حساب می‌آید. وقتی افراد در کنار هم با آداب و رسوم‌های مختلف قرار می‌گیرند ممکن است از هم‌دیگر فرهنگ‌پذیری داشته و حتی یک آداب و رسومی خارج از چهارچوب فرهنگ خود و فرهنگ دیگران را بپذیرد. از جمله می‌توان به اظهارات زن ۳۶ ساله قمی اشاره نمود:

«برای ازدواج فرزندانم نه به شوری این‌جا نه به سادگی قم بر گزار می‌کنم».

از جمله عواملی که می‌تواند بر روی آداب و رسوم اثر بگذارد می‌توان به فشار هنجاری و مناسک‌گرایی اشاره کرد. این را می‌توان از اظهارات زن ۳۷ ساله گیلانی برداشت کرد که می‌گوید:

«برای ازدواج برادرم دو مراسم برگزار کردیم که یکی در مبارکه بر اساس آداب و رسوم مبارکه و یک مراسم در گیلان بر اساس آداب و رسوم گیلانی‌ها».

بعضی افراد هم در مورد برگزاری مراسم ازدواج از روش تلفیقی استفاده می‌کنند. به قول معروف سبک، سنگین کردن و انتاب روشی که به نظر خودشان بهتر است. خود این موضوع بیانگر تعاملات و نگرانی زن ۵۳ ساله بومی که خود دختر ازدواج در محله مهاجرنشین دارد این چنین بیان می‌کند:

«من چون دختر ازدواج دارم تا حدی با آداب و رسوم مهاجرین برای ازدواج آشنا می‌باشم ولی آداب و رسوم خودمان را برای ازدواج بیش‌تر می‌پسندم. گاهی اوقات هم تلفیقی بین آداب و رسوم‌ها می‌دهم و هر کدام که بهتر بود را انتخاب می‌کنم».

در مجموع مطالبی که در این قسمت قابل نتیجه‌گیری می‌باشد، این است که ازدواج هم تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف قرار می‌گیرد و همان‌طوری که آداب و رسوم فرهنگی با تغییر شرایط اجتماعی تغییر می‌کند آداب و رسوم ازدواج هم می‌توان با جابه‌جایی از محلی به محل دیگر و مواجهه افراد با فرهنگ‌های دیگر تغییراتی می‌کند و این تغییرات شامل حال شهرهای مهاجرنشین هم می‌شود مثلاً یکی از آداب و رسوم که در مورد دوران عقد می‌توان به آن اشاره نمود شیوه‌های رفت و شد در این دوران می‌باشد. در گذشته‌ها شاید این رفت و آمدها یک نوع به حساب می‌آمد اما کم‌کم افراد با مواجهه با همدیگر این را دیگر به عنوان عیب به حساب نمی‌آورند. همان‌طوری که دختر ۱۹ ساله شهرکردی بیان می‌کند که:

«در دوران عقد آمدن و رفتن دختر و پسر به خانه هم در محل تولد ما عیب به حساب می‌آمد اما این را عیب نمی‌دانیم مثل مردم همین‌جا».

این یک نوع فرهنگ‌پذیری است که فرد در مواجهه با جامعه راه و رسوم آن‌ها را آموخته و خود را با آن سازگار نموده است.

نتیجه گیری

نتایج کمی نشان می دهد مهاجرین کاری بیشتر تمایل به ازدواج برون گروهی دارند. طبق یافته ای کیفی هم وضع به همین منوال می باشد که در اثر آشنایی افراد با دیگر گروهها دامنه انتخاب همسر آنها از یک دایره کوچک قوم و قبیله خارج شده و ازدواج با افراد غریبه عادی تلقی می شود.

آزاد ارمکی (۱۳۸۶) در پژوهش خود بیان داشته است که با توجه به این که در زمان گذشته که مهاجرت و جابه جایی بسیار کم تر از دوره های بعد بوده است والدین غالباً تنها در محدوده جغرافیایی شهر یا روستایی محل تولد و زندگی خود برای فرزندانشان همسر انتخاب می کرده اند و به این ترتیب میزان ازدواج افراد جوان نسل دوم و اول با هم خود قابل ملاحظه بوده است. اما از آن جا که در دوره جوانی افراد نسل دوم در شرایط قبل و دوره انقلاب اسلامی به دلیل رواج بیش تر امر مهاجرت و جابه جایی با افراد خارج از شهر خود آشنا می شده اند باعث می شده که ازدواج خارج از گروه و قوم خود رواج پیدا کند و در شهر مبارکه که یک شهر مهاجرپذیر است این تمایل به ازدواج با افراد غریبه هم در میان بومیان و هم در میان مهاجرین به چشم می خورد و مخصوصاً در بین نسل دوم بیش تر شاهد این تمایل می باشیم.

این تغییر فرهنگی و اخذ عناصر فرهنگی دیگران ممکن نبوده مگر با تماس و ارتباط افراد با همدیگر، هر چه این تماس بیش تر و طولانی تر باشد، احتمال تأثیر فرهنگها زیادتر می شود، اما چه عواملی باعث این تغییرات شده؟ آیا همه افراد و گروهها به یک اندازه این تغییرات را پذیرفته اند؟ به نظر می رسد انگیزه در اشاعه فرهنگی نقش داشته است و زمینه مساعد را برای اشاعه فراهم کرده است. همان طور که گفته شد و در مصاحبه ها هم به آن اشاره گردید اکثر افرادی که اشاعه را پذیرفته اند و از فرهنگ بومی و محلی خود تا حدودی فاصله گرفته اند کسانی هستند که عناصر فرهنگی موجود جامعه خود را

رضایت‌بخش و جوابگوی نیازهای خود نمی‌دانستند. پس در ارتباط و تماس‌ها اثرپذیر بوده‌اند. این نکته را هم باید توجه داشت که اشاعه فرهنگی دوطرفه می‌باشند همان‌طور که اخذ عناصر فرهنگی الزاماً، کپی یا برداشت دقیقی از اصل نسیت و ممکن است این کپی‌برداری به صورت ظاهری باشد و هنوز افکار یا عادت‌ها به همان صورت قبلی وجود داشته باشد اما باید به این نکته هم اشاره نمود که طبق مصاحبه‌ها اولین کسانی که عناصر فرهنگی شهر را می‌پذیرفته‌اند غالباً افرادی هستند که از بعضی از آداب و رسوم فرهنگی خود احساس نارضایتی می‌کنند. در مورد آداب و رسوم ازدواج این مورد را در بین کسانی می‌بینیم که از چهار محال بختیاری به این شهر مهاجرت نموده‌اند و دامنه همسرگزینی خود را نسبت به شهر مبار که محدود دیده‌اند و در مواجهه با آداب و رسوم ازدواج شهر مبار که و آشنا شدن با دیگر افراد خارج از قوم و قبیله خود به ازدواج برون‌گروهی روی آورده‌اند.

منابع

- ۱) آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۶۹. جامعه‌شناسی خانواده ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۲) چرجانی، غفور. ۱۳۸۰. همسرگزینی در ترکمن‌ها (ازدواج)، گرگان: نشر مختومقلی خراعی
- ۳) حسینی رشت‌آبادی، سید حسین. ۱۳۸۱. اثر مهاجرت بر ساختار اجتماعی و فرهنگی شهر رشت با تأکید بر علل و رضایت‌مندی مهاجرین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان
- ۴) داویدیان، سربیک. ۱۳۷۹. برخورد ارزش‌ها و حفظ هویت فرهنگی، مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی و شناخت مسائل ایرانیان مقیم خارج از کشور، گفتمان ایرانیان.
- ۵) ربانی، رسول؛ شاهنوشی، مجتبی. ۱۳۸۰. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات آوای نور
- ۶) رضایی، احمد. ۱۳۸۴. تنوع فرهنگی در استان گیلان، فصلنامه مطالعات ملی. سال ششم شماره ۱.
- ۷) روح‌الامینی، محمود. ۱۳۵۷. گرد شهر یا چراغ «مبانی انسان‌شناسی». چاپ فاروس ایران.
- ۸) زارع، بیژن. ۱۳۶۸. بررسی فرآیندسازگاری مهاجرین جنگی مطالعه صوری شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ریشه جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۹) ساروخانی، باقر. ۱۳۷۵. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۰) شیخی، محمدنقی. ۱۳۷۶. تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات اشراقی
- ۱۱) قاسمی، محسن. ۱۳۸۶. تحلیل تطبیقی سلسله مراتب ارزشی دانشجویان دختر و پسر در منطقه چهار دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه دهقان
- ۱۲) نورائی، مهرداد. ۱۳۷۲. پویایی پدیده‌ی هویت در مهاجرت، نشریه آبادی، شماره ۲۲، ۲۳.

۱۳) وثوقی، منصور. نیک‌نژاد، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. مبانی جامعه‌شناسی، چاپ دوازدهم: تهران:

انتشارات خردمند

14) Ansari, Abdolmabud, 1988. Iranian Immigrants in the United States a case study of oral Marginality Associated Faculty press, Inc. New York, 1988.

